

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

س.رها
۰۲ اگست ۲۰۱۳

عشق، عشق است !

یکی از مهم ترین رسالت های مطبوعات و رسانه ها، وظیفه و رسالت بازتاب آلام مردم است. رسانه ها باید که در بین توده مردم باشند، یعنی توده ئی باشند. خود را با مردم در هم آمیزند، با درد و مشکلات مردم، خود را شریک بدانند و در جهت زدودن این درد و مشکلات، پیکار کنند. به گفته مائوتسه دون: "جبهه جنگ و جبهه قلم و فرهنگ". زمانی که زمینه برای مبارزه از سنگر جنگ مسلحانه در کشور مساعد نباشد، تنها راه ممکن و تأثیر گذار، استفاده از جبهه فرهنگی است که به بیداری توده ها، بسیج آنها تا سرنگونی کاخ استعمار و استثمار و آماده کردن زمینه برای جبهه جنگ، می تواند پیامبر راستین و مؤثر، واقع شود.

اما، زمانی که رسانه ها، به گفته «خسروگل سرخی»: "مومیائی" شده باشند، به عکس، می توانند مخرب ترین و تحمیق کننده ترین اثر را بالای توده ها داشته باشند و به جای مبارزه در راه رهایی خلق، زنجیر اسارت را محکم تر به گردن آنها ببندازند، آنوقت، رسانه، دیگر رسانه بوده نمی تواند بلکه بلندگویی است جهت گسترش فقر و در به دری و قیادت بر توده ها. در کشور ما که بیش از چهل کشور «امپریالیستی» بالای آن تجاوز کرده است، وحشی ترین باند ها با قرون وسطائی ترین قانون و خفت بار ترین شیوه، مشغول دریدن و سلاخی مردم ما اند، رسانه ها می توانستند نقش و رسالت انقلابی خود را در برابر این وضعیت جهنمی، ادا کنند، ولی از آنجائی که ارتجاعی ترین افراد و جنایت کارترین باند ها این رسانه ها را، گردانندگی می کنند، نمی توان انتظار ادای نقش انقلابی و حتا دموکراتیک، از این رسانه ها، داشت و چه بسا که در این صورت رسانه ها، هوشدار و شلاقیت برای خفه نمودن صداهای انقلابی، درگلو.

در کشور مستعمره افغانستان، تا دل تان بخواهد رسانه یافت می شود و تا انتهای ممکن، مبتذل و افتضاح اند که از بین تمام شان که سمارق وار روئیدن گرفته اند، یک کلمه در جهت انعکاس رنج و بدبختی های مردم، نمی توان یافت. در افغانستان که بیشترین استفاده از دین شده است (هرچند که خصلت عمومی دین، قدم گذاشتن در راه تباهی توده ها است: "دین افیون توده ها است") رسانه ها نیز بر همین خصیصه بناء شده اند که در خور توان، از باور های دینی مردم سوء استفاده کرده و آنها را بیشتر در مرداب بدبختی غرق می کنند. با پخش نمودن سریال ها و فلم های مبتذل و ارتجاعی، در مواقع حساس مراسم دینی، بیشترین استفاده از این باورها می شود که در آن زمان توده های فقیر و جاهل بسیار حساس می باشند. از جمله: در ماه روزه، ماه محرم و دیگر مراسم دینی.

چینل های تلویزیونی ارتجاعی و مزدور افغانستان، در ماه روزه، همگی به پخش سریال "یوسف" شروع کرده اند که از این طریق هم پول خوبی از جانب «امپریالیست» ها در بدل به سراب بردن مبارزه توده ها، می گیرند و هم تبلیغات و باز آریابی شان زیاد می شوند. درحالی که این سریال به جز تخریب افکار مبارزه جویانه مردم و حواله کردن مشکلات به تقدیر، دیگر هیچ مفیدی ندارد ولی اگر کسی به غرض تفحص و جست و جو، اندکی از این سریال را مشاهده کند، به

خوبی به ارتجاعی بودن و خرافاتی بودن دین، پی می برد. مثلاً اصل موضوع در این سریال، عشق "زلیخا" و "یوسف" می باشد، که چقدر با افتخار و طمطراق از آن یاد می کند و آن را یک معجزه الهی می خواند درحالی که همین عشق برای انسان های فقیر یا کنیزان "زلیخا" معصیت و گناه نابخشودنی شمرده می شود. عشق، عشق است. چه در "زلیخا" (بانوی مصر) باشد یا در کنیز آن. زمانی که زلیخا (زن سلطان مصر) به خاطر فرونشاندن شهوت، از راه غیر قانونی با "یوسف" می خواهد آمیزش کند، آن یک معجزه و خواست خداوند شمرده شده و "زلیخا" در پیشگاه خداوند منزلت پیدا می کند ولی زمانی که یک زن به خاطر نجات از گرسنگی خود و اطفال یتیمش ، بخواد تن به روسپی گری دهد، آن ننگ جامعه دانسته شده و گناه کبیره.

زمانی که "یوسف پیغمبر" با زنی بدون نکاح، هم خوابه می شود، آن یکی از افتخارات مسلمانان و بزرگی "یوسف" دانسته می شود ولی زمانی که یک مرد فقیر به خاطر ندادن (نداشتن) پول جهت بستن عقد نکاح، به "ملا"، بخواد با زنی ازدواج و آمیزش کند، آن عمل به علت آن که با خواندن چند کلمه عربی «حلال» نشده، گناه و مخالف دین محسوب شده، مرد و زن به جرم زنا، بعد از خوردن شلاق به زندان افکنده می شوند، تا باشد قرائت عربی را قبل از آمیزش از یاد نبرند.

زمانی که....